

حرکت های زائده

در نماز

دیارایت: الحاج سید عابد پیمان سویدن



۱۳۹۴

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
و داکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

www.masjed.se

حرکت های زائده در نماز

بسم الله الرحمن الرحيم

حرکت های زائده در نماز

تتبع ، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

حرکت های اضافی در نماز :

حرکات اضافی یا زاید در نماز عبارت از حرکاتی اند که از جمله اعمال نماز و یا به اصطلاح از جنس نماز نباشند، در این مورد علمای تمام مذاهب متفق القول اند که :

هر حرکت و عملیکه از جنس نماز نباشد، چنانکه زیاد و پی درپی صورت گیرد، موجب باطل شدن نماز خواهد شد، زیرا عمل کثیر و زیاد ، نظم و جوهر واقعی نماز را بهم می زند.

خواننده محترم !

برای اقامه نماز هم باید محل و مکان نمازگزار آرام باشد (وضعیت اضطراری را باید در این مورد مستثنی ساخت) ، وهم خود نماز گزار باید بدنش، آرام و ساکن باشد ، برخی از حرکتهای جزئی سر و دست که عرفاً این آرامش را بر هم نمی زند، ممانعتی ندارد. البته باید توجه داشت که اگر حرکت عمدی یا سهوی سر، موجب روی برگرداندن (چرخش به سمت راست و یا هم بطرف چپ) از سمت قبله شود نماز را باطل می کند.

از جانب دیگر باید گفت که : اساساً نماز از دو بخش اساسی ترکیب یافته است، بخش جسم و بخش روح، که با فقدان یکی از آنها موجب میگردد که نماز مفهوم کلی خود را از دست دهد، و نماز، نمازگزار به کمال واقعی نرسد.

سنت است که مؤمن در نماز توجه کامل خویش را به نماز مشغول کند و غرض بدست آوردن هدف و به ثمر رساندن نماز باید ، در آن خشوع قلبی و بدنی کامل بوجود آید. درین تمزک، خضوع و خشوع قلبی و بدنی فرقی نمی کند که نماز فرضی باشد و یا نماز نغلی، چون حکم پروردگار با عظمت است که راستگاری مؤمن مسلمان مدیون خاشع بودن متناسب و داخل شرع در نمازش میباشد.

« قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ » (سوره مؤمنون آیات : 1-2) (بی گمان رستگاران مؤمنان، آنان که در نمازشان خاشع هستند)

همچنین بر نمازگزار لازم است که با طمأنینه و آرامش کامل نمازش را ادا کند و این از مهمترین ارکان نماز است؛ پیامبر اسلام به مسئ الصلاة به شخصیکه نمازش را نادرست و بدون آرامش خواند گفت : « إِرْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ ». (برگرد نمازت را بخوان چون تو نماز نخواندی.).

محدثین مینویسند : این شخص بعد از اینکه حتی تا سه بار نماز خویش را تکرار کرد و پس از آن گفت : (ای

حرکت های زائده در نماز

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! قسم به کسی که شما را به حق فرستاده است بهتر از این یاد ندارم (نمی فهمم) ، نماز را به من بیاموز!) .

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود : « إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَاسْتَبِغِ الْوُضُوءَ ، ثُمَّ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ فَكَبِّرْ ، ثُمَّ اقْرَأْ مَا تيسَّرَ مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ ، ثُمَّ ارْكَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ رَأْسًا ، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَعْدِلَ قَائِمًا ، ثُمَّ اسْجُدْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ سَاجِدًا ، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ جَالِسًا ، ثُمَّ افْعَلْ ذَلِكَ فِي صَلَاتِكَ كُلِّهَا » . (هرگاه برای نماز بلند شدى به طور کامل وضوء بگیر، سپس رو به قبله کن و تکبیر بگو، سپس حصه‌ای از قرآن که برایت ممکن است بخوان، آنگاه رکوع را بجای آور تا این که در هنگام رکوع بدنت بی حرکت و آرام گردد، سپس از رکوع بلند شو تا این که در حالت ایستایی راست و بی حرکت شوی، آنگاه به سجده برو تا این که در حالت سجده آرام و بی حرکت شوی، سپس سرت را از سجده بردار تا این که به حالت نشسته آرام بگیری، سپس این اعمال را در تمام رکعت‌های نمازت انجام بده.)

در روایت ابوداود آمده است : « ثُمَّ اقْرَأْ بِأَمْرِ الْقُرْآنِ وَ بِمَا شَاءَ اللَّهُ » (سپس سوره‌ی فاتحه و آنچه از قرآن که الله بخواهد و توفیق دهد بخوان.) .

حکم حدیث صحیح فوق برای ما بوضاحت می آموزاند که : طمأنینه و آرامش در نماز رکن و فرض است، طوریکه نماز بدون آن صحیح نمی شود. پس کسی که در نمازش مانند پرنده فقط نوک بزند نمازش صحیح نیست.

گفتیم خشوع اصل نماز و روح آن است، بنابراین مؤمن باید به آن اهتمام بورزد و بر رعایت آن حریص باشد. مؤمن مسلمان وظیفه دارد تا به حکم پیامبر صلی الله علیه وسلم تمام موانعی را که خشوع و خضوع نمازگزار را مختل می سازد آنها را از بین ببرد ، از جمله اگر شخصی با عبور و مرور نمازش مزاحمت خلق میکند باید مانع آن گردد.

ویا در صورت موجودیت مار و سایر حشرات مضره که حریم نماز گزار را مختل سازد ، حتی به گشتن آن اقدام نماید از جمله پیامبر صلی الله علیه وسلم به نمازگزار امر نموده تا مواجه شدن به خطر به کشتن مار و کژدم نیز در نماز اقدام نماید.

طوریکه پیامبر صلی الله علیه وسلم با دست مبارک شان در نماز ، عبدالله بن عباس را از طرف چپ به طرف راست منتقل کرد و او را چرخانید، و در سجده نماز پای بی بی عایشه رضی الله عنها را از محل سجده دور کرد و تکان داد، و به جابر رضی الله عنه نیز در نماز اشاره کرد، و همه این افعال در احادیث صحیح به تفصیل بیان گردیده است .

ولی شرط اساسی این حرکات ها که موجب عدم بطلان نماز نمیگردد اینست که این حرکات باید زیاد نباشد ، و اگر فراوان باشد مانند یک جهش بزرگ و بلند، نماز را باطل می کند چون با نظم نماز منافات دارد. باید دانست که حرکات اندک و خفیف مانند حرکت دادن انگشتان برای خاراندن محلی اگرچه زیاد و متوالی هم باشد برای نماز زیانی ندارد، چون اخلال به هیأت و شکل و بزرگداشت نماز نمی رساند و مانع خشوع و حضور قلب نیست، اما اگر سه بار کف دست خود را بر بدن بمالد و آن را خارش دهد نمازش باطل می شود،

حرکت های زائده در نماز

مگر اینکه مریضی مخصوص وامثال آن داشته باشد که نتواند از آن خودداری کند که در آن صورت معذور است .»

ولی نباید فراموش کرد که در برخی از کتب فقهی تعداد از فقها با استدلال فقهی خویش مینویسند ، و تعداد حرکت ها را به عدد سه منحصر می سازند ، و میگویند که اگر نماز گزار در نماز سه حرکت پی در پی بعمل آرد ، این عملش منافی با خشوع و آرامش در نماز بحساب می آید ، ولی میخواهم خدمت تمام خوانندگان بعرض برسانم که حرکت های اضافی را در نماز منحصر کردن به عدد سه با حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم ثابت نشده؛ بلکه نظریات برخی از فقها است و اجتهاد این تعداد از علماء بشمار رفته که هر کدام قابل قدر است ولی از دید شرعی ، قابل اعتماد نمی باشد.

لیکن حرکت های بیهوده در نماز مانند بازی کردن بی ضرورت با بینی، ریش ، گوش ، موی و روی ، لباس و غیره ... مکروه است؛ و باید دقت بعمل آورد که اگر احياناً این حرکات زیاد و متوالی باشد نماز باطل می گردد. اگر مطابق عرف اندک باشد و یا زیاد باشد؛ ولی به صورت پی در پی نباشد موجب بطلان نماز نمی شود، لیکن با همه ی اینها مؤمن باید در نماز خشوع و خضوع را رعایت کند و کارهای بیهوده چه کم باشد و چه زیاد آنرا ترك نماید و نمازش را با تمام و کمال ادا کند، و مجال ندهد تا رابطه روحانی اش با پروردگار با عظمتش مختل گردد.

ولی بصورت کل باید گفت که برخی از حرکت های خورد و یا هم حرکت های زیاد و غیر متولی که موجب فساد نماز نبوده و در این مورد میتوان مفاد حکم حدیث ذیل را مورد استناد قرار داد. محدثین مینویسند که : « در یکی از روزهای که پیامبر اسلام مصروف نماز خواندن بود ، و دروازه ای را به روی بی بی عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا باز کرد).

همچنین از حدیث ابوقناده ثابت شده است : «أَنَّه صَلَّى ذَاتَ يَوْمٍ بِالنَّاسِ وَ هُوَ حَامِلٌ أَمَامَةَ بِنْتِ ابْنَتِهِ زَيْنَبَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا فَكَانَ إِذَا سَجَدَ وَضَعَهَا وَإِذَا قَامَ حَمَلَهَا». (پیامبر صلی الله علیه و سلم روزی نماز را برای مردم امامت کرد، در حالی که اُمّامه فرزند دخترش (زینب) را حمل می کرد، و هرگاه به سجده می رفت او را به زمین می گذاشت و هرگاه برمی خاست او را بر می داشت) (تفصیل این موضوع را میتوان در کتاب الدعوة جلد اول صفحه (86-87) شیخ ابن باز) مطالعه فرمود .

خواننده محترم!

در این بخش غرض توضیح بیشتر موضوع در مورد اینکه عمل اندک و عمل فراوان در نماز چیست نظریات علماء نه استاد بزرگوار شیخ سید سابق رحمه الله را که در کتاب خویش « فقه السنة » بیان داشته اند خدمت شما تقدیم بدارم :

شیخ سابق رحمه الله میفرماید: « علماء در بیان ضابطه قلت و کثرت و اینکه چه عملی اندک و چه عملی فراوان محسوب می گردد، اختلاف کرده اند. بعضی گفته اند: عمل کثیر آنست که اگر کسی او را از دور در حال انجام آن عمل دید، یقین حاصل کند که او در نماز نیست، و غیر از آن عمل اندک محسوب می شود. و برخی گفته اند: عمل کثیر آنست که بیننده، گمان کند انجام دهنده آن در نماز نیست.

حرکت های زائده در نماز

امام نووی در این مورد میفرماید :

کاری که از جنس اعمال نماز نیست اگر فراوان باشد بدون خلاف موجب بطلان نماز است و اگر اندک باشد بدون خلاف نماز را باطل نمی‌کند و اینست ضابطه.

سپس در بیان ضابطه قلیل و کثیر اختلاف کرده‌اند و چهار نظر اظهار شده که او نظر گروه چهارم را انتخاب کرده و گفته است: صحیح مشهور آنست و مصنف و جمهور فقهاء نیز آن را قبول کرده‌اند که ضابطه عرف و عادت مردم است.

بنابراین اعمال اندک مانند جواب دادن سلام با اشاره ، برداشتن عمامه و نهادن آن و پوشیدن لباس سبک و در آوردن آن و برداشتن اطفال کوچک و نهادن آن، و از خود راندن کسی که از جلو تو عبور می‌کند و پاک کردن آب دهن و بینی با جامه و امثال آن، ممانعتی ندارد. و اما آنچه که مردم آن را کثیر و فراوان بحساب می‌آورند، مانند گامهای پشت سر هم و کارهای پی در پی، نماز را باطل می‌کند.

سپس امام نووی ادامه داده و گفته است: اصحاب اتفاق نظر دارند، بر اینکه اعمال کثیر هم وقتی موجب ابطال نماز است که متوالی و پشت سر هم باشند. ولی اگر متوالی نباشد بدون خلاف برای نماز زیانی ندارند.

مانند کسی که ابتدا یک گام برمی‌دارد، سپس مدتی سکوت می‌کند، سپس گام دیگر برمی‌دارد، یا اول دو گام برمی‌دارد، سپس مدتی توقف می‌کند آنگاه دو گام دیگر برمی‌دارد، چون گفتیم که دو گام زیان ندارد، اگر این عمل چند بار پیش آید، زیان ندارد، حتی اگر به یکصد بار یا بیشتر هم برسد، بدون خلاف زیان ندارد و گفته است: حرکات خفیف مانند حرکت انگشتان در تسبیح یا خاراندن اندام یا بستن گرهی، یا باز کردن آن، بنا بقول صحیح مشهور موجب بطلان نماز نمی‌گردند، حتی اگر هم متوالی باشند، ولی این عمل مکروه است.

امام شافعی فرموده است « اگر نمازگزار آیات را با بند انگشتانش بشمارد نمازش باطل نمی‌شود ولی ترک آن بهتر است. »

همانگونه که در این متن به نقل از امام نووی رحمه الله ذکر شد، نمی‌توان عدد مشخصی را برای حرکات زیاد مشخص نمود، زیرا در این باره چیزی در سنت نبوی وارد نشده است، بلکه می‌توان چنین گفت: ضابطه عرف و عادت مردم است؛ یعنی اگر مثلاً کسی نمازگزار را در حال نماز ببیند که از نظروی که گویا در نماز نیست، آنگاه میتواند گفت که حرکات وی موجب باطل شدن نمازش شده است

شیخ ابن عثیمین رحمه الله مطلب مفیدی درباره انواع حرکات در نماز نگاشته است: که بطور اختصار و بعنوان رای راجح، خدمت خوانندگان محترم بشرح ذیل بیان میدارم :

ایشان می‌گویند: «اصل آنست که هر نوع حرکتی (اضافه بر اعمال نماز) مکروه است مگر آنکه نیازی و ضرورتی برای آن باشد، با این وجود حرکت در نماز به پنج قسم تقسیم می‌شود:

قسم اول: حرکتی که واجب است.

حرکت های زائده در نماز

قسم دوم: حرکتی که حرام است.

قسم سوم: حرکتی که مکروه است.

قسم چهارم: حرکتی که مستحب است.

قسم پنجم: حرکتی که مباح و جایز است (یعنی حرمت و کراهت ندارد).

و اما حرکت واجب عبارتست از:

حرکاتی که صحت نماز به انجام آن موقوف است، مثل کسی که در اثنای نمازش نجاستی بر عمامه اش می بیند و سپس آنرا می زداید، که بر وی واجب است حرکت کند تا آن نجاست را بزدايد و عمامه اش را از سر بیرون آورد. زیرا در حدیث آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم با مردم نماز می خواند که جبرئیل علیه السلام به او خبر می دهد نجاستی زیر کفشش است و ایشان کفش خود را در هنگام نماز درآوردند و نمازشان را ادامه دادند. (أبو داود 650).

و یا مثلاً (در مکانی غریب نماز بخواند) و شخصی در اثنای نمازش به او خبر دهد که برخلاف سمت قبله ایستاده، در اینحالت بر او واجب است به سمت قبله تغییر جهت دهد.

و اما حرکت حرام عبارتست از:

حرکت زیاد پی درپی و متوالی بدون آنکه ضرورتی باشد، زیرا این نوع حرکات نماز را باطل می کند، و هرآنچه موجب باطل شدن نماز باشد انجامش حرام است.

و اما حرکت مستحب عبارتست از:

حرکت برای انجام فعلی مستحب در نماز، مثلاً اگر (در حین نماز) حرکت کنی تا صف نماز راست شود، و یا به صف جلویی قدم بگذاری تا فاصله ای که در صف هست، آنرا پر کنی.. و یا مشابه این حرکات که توسط آن فعل مستحبی در نماز حاصل می شود، زیرا این کار باعث اکمال نماز است، برای همین هنگامی که ابن عباس رضی الله عنهما همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز می خواند که او در سمت چپ ایشان ایستاده بود، رسول الله صلی الله علیه وسلم با دست اش را گرفت و وی را به سمت راست خود هدایت نمود. (متفق علیه).

و اما حرکت مباح و جایز عبارتست از:

حرکت اندکی بخاطر نیاز، و یا حرکت زیاد بخاطر ضرورتی که هست.

حرکت اندک بخاطر نیاز، مثلاً زمانی پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز بود و امامه دختر زینب دختر رسول خدا صلی الله علیه وسلم را با خود حمل کرده بود که هرگاه بلند می شد وی را بر دوش می گرفت و هنگامیکه به سجده میرفت، او را بر زمین گذاشت. (حدیث شماره: 516 بخاری)

وحرکت زیاد به دلیل ضرورت:

در این مورد نماز در هنگام جنگ، را میتوان بطور مثال ذکر کرد :

پروردگار با عظمت ما میفرماید: «حَافِظُوا عَلَي الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَفُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ * فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَاتًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (سوره بقره 238-239). یعنی: در

حرکت های زائده در نماز

انجام همه نمازها، (به خصوص) نماز وسطی (نماز عصر) کوشا باشید! و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپاخیزید! و اگر (به خاطر جنگ، یا خطر دیگری) بترسید، (نماز را) در حال پیاده یا سواره انجام دهید! اما هنگامی که امنیت خود را بازیافتید، الله را یاد کنید! (نماز را به صورت معمولی بخوانید!) همان گونه که خداوند، چیزهایی را که نمی دانستید، به شما تعلیم داد.

پس کسی که در حال پیاده رفتن نماز بخواند قطعا حرکاتش زیاد است، اما چون بخاطر ضرورت است آن حرکات برایش مباح است و نماز باطل نمی شود.

وحرکت مکروه عبارتست از:

هرآنچه که غیر از این حرکات باشد که مکروه است و این اصل در حرکت در نماز است، و بر این اساس به کسی که در نماز حرکت می کند می گوئیم: عمل شما مکروه است، و اجر نمازتان را می کاهد، و این مسئله مشمول تمامی اشخاصی میگردد که با ساعت خود نگاه میکند، و یا به بینش و یا ریشش و یا هم بالباس خویش بازی می کند، و تمام این موارد جزو حرکات مکروه بحساب می آیند مگر آنکه زیاد و متوالی گردند که در آنصورت حرام و باطل کننده نماز خواهند بود.

ابن عثیمین در توضیح این مساله می افزایند: حرکتی که موجب باطل شدن نماز می شود عدد معینی ندارد، بلکه حرکتی است که با نماز منافات داشته باشد، بگونه ای که اگر شخص نمازگزار دیده شود که (بخاطر حرکات زیادش) گویا در نماز نایستاده، اینجاست که نمازش باطل است، و لذا علماء تعداد آنرا با عرف (منطقه) مشخص کرده اند، و گفته اند: «هرگاه حرکات زیاد و متوالی باشند، نماز باطل است» بدون آنکه عدد مشخصی را ذکر کرده باشند، بادر نظر داشت اینکه برخی از علماء آنرا با سه حرکت بیان کرده اند، ولی (سخن آنها) نیاز به دلیل دارد (که ندارند)، زیرا هرکس چیزی را با عدد یا کیفیت مشخصی معین کند بر او دلیل لازم است، وگرنه بعنوان شریعت گذار در شریعت الهی تبدیل می شود». (برکسب معلومات بیشترمراجعه شود: به مجموع فتاوی الشیخ 309/13-311).

همچنین شیخ ابن باز رحمه الله می گویند: «خشوع اصل نماز و روح آن است، بنابراین مؤمن باید به آن اهتمام بورزد و بر رعایت آن حریص باشد. اما محدود کردن حرکات منافی با خشوع و آرامش به عدد سه با حدیث پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثابت نشده، بلکه از استدلال برخی از علماء این عدد بدست آمده که به هیچ دلیل قابل اعتمادی نمی باشد. (مراجعه شود کتاب الدعوة جلد اول صفحه 86-87) شیخ ابن باز.

موضوع باز کردن دروازه در وقت نماز:

طوریکه در فوق تذکر یافت: آنعه از علمای که بر عدم بطلان نماز در اثر حرکات کم و حرکات زیاد و غیر متوالی استدلال مینمایند، حدیثی است که: در یکی از روزهای که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مصروف نماز خواندن بود، و دروازه ای را برای حضرت بی بی عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا باز کرد. در این مورد علماء میگویند که: اگر نماز گزار در نماز باشد و دروازه خانه زنگ زده شود و در خانه کسی نباشد، در صورتیکه اگر نمازگزار در ادای، نماز نفل باشد، گنجایش آن وجود دارد، که در خانه را باز کند و نماز نفل

حرکت های زائده در نماز

خویش را قطع نماید . ولی اگر نماز گزار در حالی ادای نماز فرض باشد ، نباید عجله کند ، بهتر است نماز خویش را تمام نموده وبعد از آن به باز کردن دروازه اقدام نماید . ولی اگر باز هم احساس کند که حادثه ای مهمی به وقوع پیوسته نماز گزار (مرد) میتواند شخص متذکره را با گفتن « سبحان الله » ویا (زن) « یا کف زدن » شخص را متوجه ویا با خبر سازد که مصروف نماز خواندن است ، ونمیتواند به باز کردن دروازه اقدام کند .

طوریکه : « رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند : «أَتَمَّا التَّصْفِيقُ لِلنِّسَاءِ؛ مَنْ تَابَهُ شَيْءٌ فِي صَلَاتِهِ فَلْيَقُلْ: سُبْحَانَ اللَّهِ»

(دست زدن) در نماز (مخصوص زنان است)؛ و اگر کسی از مردان در نماز چیزی برایش پیش بیاید، باید « سبحان الله » بگوید . (بخاری (1218) و مسلم (421))

ولی با آنهم اگر مساله با تسبیح یا دست زدن بعلت دوری و عدم شنیدن کارساز گار وموثر نباشد ، وضورت به جواب دادن ویا عمل ، شرع در این مورد طوریکه قبلاً به عمل پیامبر صلی الله علیه وسلم اشاره نمودیم کدام ممانعت نمی بیند . نمازگزار میتواند نماز خویش را قطع بخصوص اگر نماز گزار در حال نماز نفلی باشد ، واگر در حال خواندن نماز فرضی است وملاحظه فرمود که به سبحان الله ودست زدن فایده ای بدست نماید ، نماز فرض را خویش هم میتواند قطع نماید .وباز نماز فرض خویش را از سر بخواند . (کتاب فتاوی شیخ ابن باز،فتاوی المرأة .صفحه (60-59)

حکم عبور کردن از جلو نماز گزار:

در بسیاری از اوقات دیده شده است که شخصی مصروف نماز است ، واشخاص دیگری از پیشروی آن بدون اینکه رعایت احترام نماز گزار را بنماید ، از پیشروی نماز گزار میگذرد ، قبل از همه باید گفت که برای یک مسلمان جایز نیست که از جلوی او (تا نزدیکتر از سه ذراع) عبور کند و البته اگر شخص نمازگزار برای خود ستره ای قرار داده بود در اینصورت عبور از جلوی ستره او جایز است اما اگر شخص نمازگزار جلوی خود ستره ای نگذاشته بود در اینصورت تا سه ذراع جلوی نمازگزار جایز نیست که عبور و مرور کرد ولی بعد از آن جایز است.

به تاسف باید گفت که زیاتر وقت دیدیده شده است که برخی از نمازگزاران بعد از سلام گشتاندن از جلو نماز گزاران دیگر عبور میکنند و حتی با شانه های نماز گزاران پاهایشان تماس میکنند. طوریکه گفته شد این عمل در شرع اسلام جایز نمی باشد.

همچنان در روز های جمعه بخصوص هنگام خطبه جمعه زیاتر اوقات نماز گزاران از میان صفوف عبور میکنند طوریکه از سر شانه های مصلین عبور میکنند ، که این عمل شان جایز نمی باشد .

امام ترمذی از اهل علم حکایت کرده است که شکافتن صفوف و گردن مردم را پس زدن، در روز جمعه مکروه است. و در این باره بسیار سخت گرفته اند. از عبدالله بن بسر روایت است که: یک بار در هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم مشغول ایراد خطبه نماز جمعه بود؛ مردی آمد و صفوف را بهم می زد و با دست گردن مردم را کنار می زد، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «

حرکت های زائده در نماز

اجلس فقد آذیت وآنیت» (بنشین بی گمان مردم را آزرده و تاخیر نمودی و سستی کردی). (ابوداود و نسائی).

برای امام و کسی که جای خالی سراغ دارد و بدون پس زدن گردن مردم، بدانجا نمی رسد، یا برای کسی که می خواهد بجای خود برگردد و بدون این عمل برایش مقدور نیست، پس زدن گردن مردم و شکافتن صفوف آنان مکروه نیست، مشروط بر آنکه از مزاحمت مردم پرهیز کند. از عقبه ابن حارث روایت است که: من پشت سر رسول الله صلی الله علیه و سلم در مدینه نماز عصر می خواندم، سپس پیامبر صلی الله علیه و سلم بسرعت از جایش برخاست و گردنهای مردم را پس زد و از میان صفوف گذشت و به حجره یکی از زنانش رفت. مردم از سرعت رفتن او احساس نگرانی کردند، پیامبر صلی الله علیه و سلم که متوجه تعجب مردم شد، فرمود: «ذکرت شیئا من تبر کان عندنا فکهرت أن یحبسنی فأمرت بقسمته» (بیادم آمد که مقدار طلای شمش پیش من می باشد، دوست نداشتم که مرا بخود مشغول دارد لذا دستور دادم آن را تقسیم کنند) (بخاری و نسائی آن را روایت کرده اند.)

مسئولیت نماز گزار در برابر اطفال:

قبل از همه باید گفت که واجب شرعی است که نماز گزار در وقت ادای نماز در پیشروی سجدگاه خویش ستره را قرار دهد، تا مانع عبور و مرور دیگران در پیشروی نماز گزار گردد. با آنها اگر احیانا برای نماز گزار حالتی پیش آید که طفلی از پیشروی نماز گزار بگذارد، باید از آن ممانعت و جلوگیری کند.

در حدیثی از سهل بن ابی حثمه روایت گردیده است: «إذا صلی أحدکم فلیصل إلی ستره، ولیدن منها، لایقطع الشیطان علیه صلاته» (هرگاه یکی از شما خواست نماز بخواند، رو به ستره نماز بخواند و به آن نزدیک شود تا شیطان نمازش را قطع نکند).

بنابا موجودیت ستره برای مسلمانان جایز نیست، که در فاصله ای که درمابین پاه و ستره نماز گزار وجود دارد، رفت و آمد میگردند. ولو که اولاد کوچک هم باشند.

در شرع اسلامی برای نماز گزار اجازه است، با دست خویش مانع رفت و آمد افراد ی گردد که در مابین فاصله پای ها نماز گزار و ستره، در حال رفت و آمد باشند.

پیامبر اسلام به هیچ وجه اجازه نمیداد (کسی یا) چیزی از میان او و ستره اش عبور کند.

محدثین مینویسند: در یکی از روزها، که پیامبر صلی الله علیه و سلم مصروف خواندن نماز بود، گوسفندی خواست از مقابل ایشان عبور کند، رسول الله صلی الله علیه و سلم (در حال نماز) خودش را آنقدر به دیوار نزدیک کرد که شکم مبارکش به دیوار چسبید و گوسفند از پشت سر ایشان عبور کرد (روایت ابن خزیمه و طبرانی و حاکم).

همچنین رسول الله صلی الله علیه و سلم در این مورد فرموده است: هر گاه یکی از شما برای ادای نماز، ستره ای بگذارد تا مردم نتوانند از مقابل او عبور کنند، با وجود این اگر کسی خواست از میان او و ستره اش

حرکت های زائده در نماز

عبور کند، با زدن دست بر سینه‌اش، او را باز دارد. (و در روایتی چنین آمده است: که تا دو بار او را از این کار منع کند) اگر باز نایستد، این بار به شدت او را از مقابل خود دور کند زیرا او شیطانی بیش نیست. (بخاری و مسلم) اما اگر نمازگزار برای خود ستره قرار نداده بود، در آن صورت تا فاصله سه ذراع بین پاهای او و محل سجده رفت و آمد از جلوی او جایز نیست و نمازگزار می‌تواند مانع رفت و آمد افراد از جلوی خویش شود، ولی بیشتر از سه ذراع (یک و نیم متر) اگر کسی از جلوی نمازگزار رد شد مانعی ندارد. شیخ ابن باز رحمه الله در (مجموع فتاوی (327/29) می‌فرماید که جلوگیری از رد شدن افراد جلوی نماز گزار واجب است. و نصوص وارده در ممناعت از عبور افراد از جلوی نمازگزار عام بوده و مخصوص بزرگسالان نیست بلکه کودکان را نیز شامل می‌شود.

اما اگر شخص نمازگزار ماموم بود، یعنی در نماز جماعت پشت سر امام نماز می‌خواند، در آن صورت عبور از جلوی نمازگزاران (مامومین) جایز است، زیرا ستره ی امام حکم ستره ی ماموم را نیز دارد. از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که : « أَقْبَلْتُ رَاكِبًا عَلَى جِمَارٍ أَتَانِ، وَأَنَا يَوْمَئِذٍ قَدْ نَاهَزْتُ الْإِحْتِلَامَ، وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصِلِي بِمِنِّي إِلَى غَيْرِ جِدَارٍ، فَمَرَرْتُ بَيْنَ يَدَيِ بَعْضِ الصَّفِّ، وَأُرْسَلْتُ الْأَتَانَ تَرْتَعُ، فَدَخَلْتُ فِي الصَّفِّ، فَلَمْ يَنْكُرْ ذَلِكَ عَلَيَّ. » (بخاری 76). (روزی، در دوران نوجوانی، سوار بر ماده الاغی بودم و بسوی سرزمین «منا» می‌رفتم. رسول الله صلی الله علیه وسلم در «منا» بدون اینکه ستره‌ای گذاشته باشد، مشغول نماز بود. الاغم را برای چرا رها کرده، از جلوی بعضی از نماز گزاران عبور کردم و خود را به صف نمازساندم. کسی مرا بر این کار، سرزنش نکرد. **پایان**

فهرست :

- حرکت های اضافی در نماز
- و اما حرکت واجب عبارتست از
- و اما حرکت حرام عبارتست از
- و اما حرکت مستحب عبارتست از
- و اما حرکت مباح و جایز عبارتست از
- و حرکت زیاد به دلیل ضرورت
- و حرکت مکروه
- موضوع باز کردن دروازه در وقت نماز

حرکت های زائده در نماز

- حکم عبور کردن از جلو نماز گزار
- مسؤولیت نماز گزار در برابر اطفال

حرکت های زائده در نماز

تتبع ، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

ادرس ارتباطی :

saidafghani@hotmail.com

strategicstudies@yahoo.com